

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلام ۲۹



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين أما بعد:

هیچ شکی نیست که در شناخت شرک و کفر، اسباب، وسایل و انواع آن برای مسلمان فایده های بزرگی نهفته است. هنگامی که آن را شناخت به معرفی دست می یابد که از وراء آن سلامتی از این بدیها و نجات از آن آفات را به دنبال دارد. و الله سبحانه و تعالی دوست دارد که راه حق شناخته شود تا آن دوست داشته شده و وارد آن شوند. و دوست دارد که راههای باطل شناخته شوند تا از آن دوری گیرند و از آن متنفر باشند. و مسلمان همانگونه که طالب شناخت راه خیر و نیکی است تا خود را با آن تطبیق دهد طالب شناخت راههای بدی است تا از آنها حذر نماید. و برای همین در صحیحین از حذیفه بن یمان رضی الله عنه ثابت است که گفت: «كَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْخَيْرِ وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ مَخَافَةَ أَنْ يَذَرَكُنِي» صحیح بخاری (۷۰۸۴)، صحیح مسلم (۱۸۴۷).

«مردم از رسول خداص درباره امور خیر می پرسیدند و من از بدیها می پرسیدم که مبدا گرفتار آنها شوم» و عمر بن خطاب رضی الله عنه می فرماید: "إِنَّمَا تَنْقُضُ عَرِي الْإِسْلَامَ عَرَوْهُ عَرَوْهُ إِذَا نَشَأَ فِي الْإِسْلَامِ مَنْ لَا يَعْرِفُ الْجَاهِلِيَّةَ" «هنگامی که در اسلام مردمانی پیدا شوند که جاهلیت را نشناسند ریسمان محکم اسلام رشته هایش یکی یکی از بین می رود». و قرآن کریم پر از آیاتی است که روشن کننده شرک و کفر و ترساندن از در

افتادن به آن دو می باشد که نشان دهنده سرانجام بد آن دو در دنیا و آخرت است. بلکه آن یکی از اهداف بزرگ قرآن کریم و سنت مطهر می باشد. همانطور که الله تعالی می فرماید: «وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» انعام ۵۵.

«و بدینگونه آیات را به روشنی بیان می داریم تا راه مجرمان و گنهکاران روشن شود». و در ذیل به ذکر بعضی مطالب مهم که متعلق به این مبحث می باشد را بیان می کنیم:

شرک:

أ. تعریف شرک: شرک در لغت بر مساوی بودن بین دو چیز اطلاق می شود.
و در شریعت برای آن دو معنی موجود است: عام و خاص.

۱. معنی عام: مساوی قرار دادن غیر خداوند با او در آنچه که مربوط به ویژگیهای خداوند سبحان می باشد و تحت سه نوع درجه بندی می شود:

اول: شرک در ربوبیت است و آن مساوی و برابر قرار دادن غیر خداوند با او در چیزی که جزو ویژگیهای ربوبیت اوست یا نسبت دادن چیزی از ربوبیت او برای غیر او مانند خلق کردن، روزی دادن، به وجود آوردن، میراندن، تدبیر کردن امور دنیا و چیزهایی مانند آن.
الله تعالی می فرماید:

«هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنْتُمْ تُؤْفَكُونَ» ﴿٣﴾ فاطر ۳.

«آیا خلق کننده ای جز خداوند در آسمان و زمین هست که شما را روزی دهد؟ هیچ معبود به حق جز او نیست پس چگونه روی می گردانید؟».

دوم: شرک در اسمها و صفات خداوند است و آن مساوی قرار دادن غیر خداوند با او در چیزی از این اسماء و صفات می باشد. الله تعالی می فرماید: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» ﴿١١﴾ شوری ۱۱.
«هیچ چیز همانند او نیست درحالیکه او شنوا و بیناست».

سوم: شرک در الوهیت خداوند است. و آن مساوی قرار دادن غیر خداوند با او در چیزی از خصوصیات و ویژگیهای الوهیت؛ مانند نماز، روزه، دعا، استغاثه (درخواست کمک فوری)، ذبح (قربانی)، نذر و چیزهای مانند آن. الله تعالی می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» ﴿١٦٥﴾ بقره ۱۶۵.

«و از مردم کسانی هستند که غیر از خداوند شریکانی برای او برمی گزینند که به اندازه الله آنها را دوست دارند».

۲. معنی خاص: و آن شریک قرار دادن برای خداوند است. از او به مانند خداوند درخواست می کنند و به مانند خداوند از او شفاعت را می خواهند و به مانند خداوند به او امید

دارند و او را دوست می دارند و این معنی کلمه شرک است که در قرآن و سنت اطلاق می گردد.

ب. دلایل بر نکوهش شرک و بیان خطر آن:

دلایل نصوص بر ذم و نکوهش شرک و برحذر داشتن از آن و بیان خطر و سرانجام بد برای مشرکین در دنیا و آخرت بسیار است.

۱. الله تعالی خبر می دهد که آن گناهی است که جز به وسیله توبه قبل از مردن بخشیده نمی شود. می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» ﴿٤٨﴾ نساء ۴۸.

«خداوند از اینکه برای او شریک قرار داده می شود را نمی بخشد و جز آن برای هرکس که بخواهد می بخشد».

۲. آن را به بزرگترین ظلم وصف می کند: «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» ﴿١٣﴾ لقمان ۱۳. «همانا شرک ورزیدن به خداوند گناه بزرگی است».

۳. خبر می دهد که آن نابود کننده اعمال است. می فرماید: «وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَإِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» ﴿٦٥﴾ زمر ۶۵. «و به تو و کسانی که قبل از تو آمدند وحی کردیم که اگر به خداوند شرک

ورزید عملت نابود می شود و در آخرت از زیانمندان قرار می گیری».

۴. آن نقص قائل شدن برای رب العالمین و مساوی قرار دادن با غیر اوست. الله تعالی می فرماید: «قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ» ﴿٢٦﴾ تآله ۲۶. «آنها با یکدیگر ستیز می کنند و گویند: سوگند به خدا که ما در گمراهی آشکاری بودیم آنگاه که شما را با پروردگار عالمان برابر می کردیم».

۵. خبر می دهد که هرکس بر شرک بمیرد برای همیشه در آتش جهنم جاودانه خواهد ماند. الله تعالی می فرماید: «إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» ﴿٧٢﴾ مائده ۷۲. «هرکس برای خداوند شریک قرار دهد خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش آتش است و برای ظالمان و مشرکان یاری دهنده ای نیست» و سایر دلایلی غیر از اینها که در قرآن کریم بسیار است.



ج. سبب و علت داخل شدن در شرک:

همانا اصل و اساس شرک و سبب واقع شدن بنی آدم در آن افراط و زیاده روی در مورد انسانهای صالح بزرگوار است. و در تعریف، مدح و ثنای آنها از حد خود تجاوز نمودند. الله تعالی می فرماید: ﴿وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلَ الْهَتَكُمُ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سَوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا﴾ ۲۳-۲۴. «و گفتند: معبودان خود را رها نکنید و ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر را و نگذارید و بسیاری را گمراه کردند. [بار خدایا] جز بر گمراهی ظالمان میفرای».

این نامهای مردان صالح از قوم نوح هستند، هنگامی که مردند بر شکله و صورتهای آنان بتهایی قرار دادند و بر آن بتها اسم آنها را گذاشتند که هدفشان از اینکار بزرگداشت و زنده نگه داشتن یاد و فضیلت آنها بود تا با دیدن شکل و تصاویر آنها مانند آنان به عبادت پردازند.

و دلیل بر آن آنچه است که از ابن عباس م روایت است که گفت: «صَارَتِ الْأَوْثَانُ الَّتِي كَانَتْ فِي قَوْمِ نُوحٍ فِي الْعَرَبِ بَعْدَ أَمَّا وَدٍّ كَانَتْ لِكَلْبٍ بِدَوْمَةِ الْجَنْدَلِ وَأَمَّا سَوَاعٌ كَانَتْ لِهَذِيلٍ وَأَمَّا يَغُوثٌ فَكَانَتْ لِإِمْرَأَةٍ ثُمَّ لِبَنِي غَطِيفٍ بِالْجَوْفِ عِنْدَ سَبَأٍ وَأَمَّا يَعُوقُ فَكَانَتْ لَهُمْ دَانَ وَأَمَّا نَسْرٌ فَكَانَتْ لِحَمِيرٍ بِلَالِ ذِي الْكَلَاءِ أَسْمَاءَ رَجَالٍ صَالِحِينَ مِنْ قَوْمِ نُوحٍ فَلَمَّا هَلَكُوا أَوْحَى الشَّيْطَانُ إِلَى قَوْمِهِمْ أَنْ أَنْصِبُوا إِلَى مَجَالِسِهِمُ الَّتِي كَانُوا يَجْلِسُونَ أَنْصَابًا وَسَمُّوْهَا بِأَسْمَائِهِمْ فَفَعَلُوا فَلَمَّ تَعَبَدَ حَتَّى إِذَا هَلَكَ أُولَئِكَ وَتَنَسَخَ الْعِلْمُ عِبَدَتْ» صحیح بخاری (۴۹۲۰).



«بتهایی که در قوم نوح بودند بعداً معبودان قوم عرب شدند. چنانکه ود برای قبیله کلب در شهر دومه الجندل، سواع برای قبیله هذیل، یغوث برای قبیله مراد سپس برای قبیله بنی غطیف در شهر جوف کنار سرزمین سبأ، یعوق برای قبیله همدان، نسر در حمیر برای طایفه ذی کلاع بود. نامهای مردان صالح از قوم نوح بودند هنگامی که مردند شیطان به قومشان وحی کرد که در محل جاهایی که آنها می نشستند مجسمه هایی نصب کنند و آن را با نامهای آنان بنامند پس آن کار را کردند ولی آنها را عبادت نمی کردند تا اینکه نسلهای اولین از بین رفتند و جهل فراگیر شد و نسلهای بعدی به عبادت آن مجسمه ها روی آوردند».

ابن جریر طبری از محمد بن قیس در باره این فرموده خداوند ﴿وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلَ الْهَتَكُمُ﴾ «گفتند معبودان خود را رها نکنید» روایت می کند که گفت: "كانوا قوما صالحين من بنى آدم، وكان لهم اتباع يقتدون بهم، فلما ماتوا قال أصحابهم الذين كانوا يقتدون بهم: لو صورناهم كان أشوق لنا إلى العبادة إذا ذكرناهم، فصوروهم، فلما ماتوا وجاء آخرون دب إليهم إبليس فقال: إنما كانوا يعبدونهم وبهم يسقون المطر، فعبدوهم" تفسیر طبری (۱۲ / ۲۵۴).

«قوم صالحی از بنی آدم بودند و برای خود پیروانی داشتند که به آنها اقتدا می نمودند ولی هنگامی که مردند مردمانی که به آنها اقتدا می کردند گفتند: اگر تصویر آنها را بنگاریم وقتی آنها را بیاد آوریم به عبادت مشتاق تر می شویم پس تصویر آنها را کشیدند و هنگامی که مردند و نسل بعدی



آمد ابلیس به آنها وسوسه کرد و گفت: اجداد شما آنها را عبادت می کردند و به وسیله آنها درخواست باران می کردند پس آنها را عبادت کردند». پس بین دو گمراهی بزرگ واقع شدند:
اول: اعتکاف کردن نزد قبرهای آنان.
دوم: به تصویر کشیدن آنها و نصب کردن در مجالسشان و نشستن به سوی آنها.
اینگونه بود که برای اولین بار در تاریخ بشریت شرک واقع گردید که آن دو مورد از بزرگترین وسایل شرک در تمام زمان و مکان گردید.

د. انواع شرک:

شرک به دو بخش تقسیم می گردد:
الف) شرک اکبر.
ب) شرک اصغر.

الف) شرک اکبر: گرفتن شریک و همتا همراه خداوند به گونه ای که همراه خداوند عبادت می شود. و اینکار مسلمان را از اسلام خارج می گرداند و تمام اعمالش را نابود و باطل می گرداند و کسی که با این حالت بمیرد برای همیشه در آتش جهنم می ماند و پایان نمی پذیرد و از عذابش کاسته نمی شود.

انواع شرك اكبر:

شرك اكبر به چهار قسمت تقسیم می گردد.

۱. شرك درخواست و طلب کردن یعنی دعا:

و آن از بزرگترین انواع عبادت می باشد بلکه هسته عبادت همان دعاست همانگونه که پیامبر ص می فرماید: «الدعاء هو العبادة» مسند أحمد (۴ / ۲۶۷)، وسنن ترمذی (۲۹۶۹).

«دعا همان عبادت است» و الله تعالی می فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» غافر ۶۰. «پروردگارتان می فرماید مرا بخوانید تا برایتان اجابت نمایم. کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند بزودی ذلیلانه داخل جهنم می گردند».

و هنگامی که ثابت گردید که دعا عبادت است پس بکاربردن آن برای غیر خداوند شرك است. در نتیجه هر کس پیامبر، ملائکه، ولی، قبر، سنگ یا غیر اینها از مخلوقات را بخواند او کافر مشرك است کما اینکه خداوند می فرماید: «وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ» مؤمنون ۱۱۷. «و هر کس به همراه خداوند معبود دیگر را بخواند برای این عملش هیچ برهانی وجود ندارد و حساب او نزد پروردگارش است و خداوند کافران را رستگار نمی سازد».

و از دلایلی که بر عبادت بودن دعا دلالت دارد و بکار بردن آن برای غیر خداوند شرك است این فرموده خداوند متعال است: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» عنکبوت ۶۵. «هنگامی که سوار کشتی می شوند خداوند را خالصانه می خوانند اما هنگامی که خداوند آنها را به خشکی رساند دوباره مشرك می شوند». خداوند از حال مشرکانی خبر می دهد که در حالت آسایش و راحتی به خدا شرك می ورزیدند اما در تنگنا و سختی خداوند را خالصانه می پرستیدند. پس حال کسانی که پناه بر خدا به الله در آسایش و سختی شرك می ورزند چگونه است؟!

۲. شرك نیت، اراده و قصد:

و آن اینکه فرد در انجام اعمالش به مانند اهل نفاق تنها رسیدن به دنیا، ریا و مشهور شدن را مد نظر داشته باشد و آخرت و وجه الله را در نظر نگیرد او مشرك است و دچار شرك اكبر شده است. الله تعالی می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوْفٌ إِلَيْهِمْ أَعْمَلْنَاهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ» أولئك الذين ليس هم في الآخرة إلا النار وحبط ما صنعوا فيها ونبتل ما كانوا يعملون هود ۱۵-۱۶ «هر کس به زندگی دنیا و زیبایی های آن راضی باشد تلاششان را برای رسیدن به آن کامل و تمام

۳. شرك در طاعت و فرمانبرداری:

یعنی کسی که از مخلوقات در حلال کردن آنچه خداوند حرام نموده یا در حرام کردن آنچه خداوند حلال نموده اطاعت نماید و قلباً به آن معتقد باشد و حلال و حرام کردن را برای آنها و اطاعت کردن از خدا و آنها را جایز بداند و آگاهی داشته باشد که آن مخالف دین اسلام است در این صورت خدایانی از غیر خداوند برگرفته است نسبت به خداوند دچار شرك اكبر شده است. الله تعالی می فرماید: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» توبه ۳۱. «عالمان و زاهدان خویش را تبدیل به رب کردند و همچنین مسیح پسر مریم را، در حالیکه جز پرستش معبود واحدی که جز او معبود به حقی نیست به آنها دستور داده نشده بودند،

پاک و منزّه است از آنچه برایش شریک قرار می دهند.» در تفسیر این آیه هیچ اختلافی وجود ندارد: یعنی اینکه از علما و عابدان در معصیت (تبدیل و تغییر دادن حکم خداوند) اطاعت می کردند و تنها مقصودشان درخواست کردن و دعا نمودن از آنها نمی باشد همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای عدی بن حاتم هنگامی که از او سؤال نمود اینگونه تفسیر کرد. عدی گفت: ما آنها را عبادت نمی کردیم؟ ایشان فرمودند: عبادت کردن آنها همان اطاعت کردنشان در معصیت خداوند است (یعنی در تغییر و تبدیل حکم خداوند). پس فرمود: «أليس يحرمون ما أحل الله فتحلونه ويحلون ما حرم الله فتحلونه»، قال: بلى. قال: «فتلك عبادتهم» سنن ترمذی (۳۰۹۵)، و معجم الکبیر طبرانی (۱۷) / ۹۲. «آیا حلال خداوند را برایتان حرام و حرام خداوند را برایتان حلال نمودند؟ گفت: بلی. فرمود: این همان عبادت کردن آنهاست».

۴. شرك محبت:

منظور محبت بندگی و عبودیت است که مستلزم جلال، بزرگی، تواضع و خضوعی است که جز برای خداوند تنها و بی شریک شایسته نیست. و هر وقت بنده این محبت را برای غیر خداوند بکار برد دچار شرک اکبر شده است. دلیل برای آن این فرموده الله تعالی می باشد: «وَمِنْ أَلَنَاسٍ

مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» بقره ۱۶۵. «و از مردم کسانی هستند که غیر از خداوند شریکانی برای او برمی گزینند که به اندازه الله آنها را دوست دارند و کسانی که ایمان دارند بیشترین حب و دوست داشتنشان برای الله است.»

ب) نوع دوم از شرک، شرک اصغر می باشد؛ و آن هر آنچه که به سوی شرک اکبر و وسیله ای برای افتادن در آن باشد را شامل می گردد یا آنچه را در نصوص به شرک نامگذاری شده اما به حد شرک اکبر نمی رسد و در قالب عمل و گفتار واقع می شود. و حکم آن به مانند حکم کسی که مرتکب گناه کبیره می شود در مشیت و اراده خداوند است. و مثال برای آن عبارتند از:

۱. ریای اندک:

و دلیل برای آن روایت امام احمد و دیگران از پیامبر ص است که می فرماید: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ الشَّرْكَ الْأَصْغَرَ قَالُوا وَمَا الشَّرْكَ الْأَصْغَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الرِّيَاءُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا جُزِيَ النَّاسُ بِأَعْمَالِهِمْ أَذْهَبُوا إِلَى الَّذِينَ كُنْتُمْ تَرَاءُونَ فِي الدُّنْيَا فَانظَرُوا هَلْ تَجِدُونَ عَنْدهُمْ جَزَاءً» مسند أحمد (۵ / ۴۲۸). «بیشترین چیزی که بر شما از آن می ترسم شرک اصغر است. گفتند: ای رسول خدا شرک اصغر

چیست؟ فرمودند: ریا. الله تعالی روز قیامت هنگامی که مردم را با اعمالشان پاداش می دهد می گوید: بروید به سوی کسانی که در دنیا برای آنها ریا کرده اید بنگرید آیا نزد آنها پاداش و جزایی می بینید؟»

۲. این سخن که آنچه خدا و تو بخواهید:

ابوداود در سننش از پیامبر ص روایت می کند که فرمود: «لَا تَقُولُوا مَا شَاءَ اللَّهُ وَشَاءَ فُلَانٌ وَلَكِنْ قُولُوا مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ شَاءَ فُلَانٌ» سنن أبی داود (۴۹۸۰). «نگویید آنچه خداوند و فلانی بخواهد بلکه بگویید آنچه خداوند بخواهد سپس فلانی بخواهد».

۳. این سخن که "لولا الله و فلان" «اگر خداوند و فلانی نبودند»:

یا این سخن "لولا البط لأتانا اللصوص" «اگر مرغابی نبود دزدها می آمدند» و نمونه هایی مانند آن. ابن ابی حاتم در تفسیر آن از ابن عباس در مورد معنی این فرموده خداوند {فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} روایت می کند که گفت: "الأنداد هو الشرك أخفى من ديبب النمل على صفاء سوداء في ظلمة الليل، وهو أن تقول: والله وحياتك يا فلانة وحياتي، وتقول: لولا كلبية هذا لأتانا اللصوص، ولولا البط في الدار لأتى اللصوص، وقول الرجل لأصحابه: ما شاء

الله وشئت، وقول الرجل: لولا الله وفلان، لا تجعل فيها فلانا، هذا كله به شرك " تفسير ابن أبي حاتم (۱ / ۶۲) .

«انداد یعنی شرک. و انداد گرفتن از راه رفتن مورچه ای در شب تاریکی بر روی سنگ صاف و سیاهی مخفی تر است. مثل اینکه بگویی: قسم به خدا و حیات تو یا قسم به خدا و فلانی و یا قسم به حیاتم. و بگویی: اگر این سگ نبود یا اینکه اگر مرغابی داخل خانه نبود دزدها می آمدند یا مثل اینکه بگویند: هرچه خدا و تو بخواهید و یا اینکه اگر خدا و فلانی نبود چنین و چنان می شد اسم فلانی را همراه اسم خداوند بکار نگیر چون همه اینها شرک به الله تعالی می باشند».

فرق بین شرک اکبر و اصغر :

فرقهای زیادی دارند مهمترین آنها عبارتند از:

۱. شرک اکبر را خداوند برای انجام دهنده آن جز به وسیله توبه نمی بخشد اما شرک اصغر تحت مشیت و خواست خداوند است (خواست می بخشد یا مجازات می نماید)
۲. شرک اکبر باطل کننده و نابود کننده تمام اعمال انسان است در حالیکه شرک اصغر تنها عملی را که با ریا انجام می گیرد را ضایع می گرداند.
۳. شرک اکبر شخص را از اسلام خارج می گرداند اما شرک اصغر چنین نیست.

۴. شرک اکبر شخص را برای همیشه در آتش جهنم نگه می دارد و بهشت را بر او حرام می کند اما شرک اصغر همانند بقیه گناهان حساب می شود.

**وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**